

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

استدلال مرحوم امام(ره) بر حرمت بيع هياكل عبادت

مرحوم امام(رضوان الله عليه) در كتاب مكاسب محرمة در استدلال بر حرمت بيع هياكل عبادت (حرمت تكليفي و حرمت وضعي)، بياني غير از بيان ديگران دارند، البته در آخر مي فرمايند كه آيات و روايات هم براي معنا دلالت دارد. ايشان فرموده اند : «لا ينبغي الاشكال في حرمة بيعها و بطلانها في الصورة التي يترتب عليها الحرام» در صورتي كه حرام بر آن مترتب مي شود، يعني جايي كه صليب يا صنم را بفروشند براي اينكه ديگري عبادت كند، ترديد در حرمت تكليفي و بطلان نيست، «لاستقلال العقل بقبح ما يترتب عليه عبادة الاوثان» - ايشان بحث را از طريق احكام عقليه مطرح كرده اند و مي فرمايند - عقل هر آنچه را كه عبادت غير خدا بر آن مترتب است قبيح مي داند. يعني اگر كسي بخواهد سنگي را عبادت كند، عقل اين عبادت را قبيح مي داند، عقل مي گويد «هذا قبيح مستقلاً».

بعبارة اخري اين طور نيست كه بعد از اينكه ما خدا را پذيرفتم، خدا به ما امر كرده كه اوثان را نپرستيد و ما بخاطر امر خدا اوثان را نپرستيم، بلكه عبادت اوثان امری است كه عقلاً قبيح است، عقل مي گويد اين بت كه لا يضر و لا ينفع، براي چه پرستش مي كنيد؟ بعد مي فرمايند «بل قبح تنفيذ البيع و ايجاب الوفا بالعقل المترتب عليه عبادة غير الله» مي فرمايند كه اگر خداوند بخواهد اين حكم عقل را تنفيذ كند و بفرمايد اين معامله صحيح است و وجوب وفا را متوجه كساني كند كه هياكل عبادت را مورد معامله قرار داده اند، اين هم قبيح است.

عقل مي گويد قبيح است كه خدا بگويد اين معامله صحيح است و قبيح است كه ما بگويم خداوند اين معامله را تنفيذ كرده است. اين نحوه استدلال در كلمات ديگران نبود، كه از راه حكم عقلي مستقل بيان كنيم، حكم عقل منحصر به حسن عدل و قبح ظلم كه نيست، يكي از موارد آن همين است كه عبادت غير خدا قبيح است، معامله اي هم كه روي هياكل عبادت براي غير خداست، شارع نمي تواند تنفيذ كند.

بعد فرموده اند «بل لو ادعي احد القطع بان الشارع الاقدس الذي لا يرضى ببيع الخمر و شرائها و لعن بايعها و و مشتريها و حرم ثمنها و جعله سحتاً لا يرضى بذلك في الصنم و لا يرضى ببيعها» - مرحوم امام(ره) در اين قسمت دوم مي خواهند تنقيح مناط قطعي كنند، تنقيح مناط ظني در استدلالات فقهي ما قابل قبول نيست، اهل سنت تنقيح مناط ظني را هم قبول دارند اما در اينجا تنقيح مناط قطعي است - مي فرمايد شرعي كه بيع خمر را قبول ندارد و بايع و مشتري خمر را لعن كرده، اين شارع بايد نسبت به بيع صنم نيز راضي نباشد، «بل يستفاد من الادلة ان تحريم ثمن الخمر و سائر المسكرات و تحريم بيعها للفساد المترتب عليها و معلوم ان الفساد المترتب على الاوثان و بيعها و شرائها ام جميع المفاصد» اگر كسي سؤال كند كه به چه ملاكي شارع، خمر را حرام كرده و به چه ملاكي بيع خمر باطل است؟

می‌فرمایند ما یقین داریم به خاطر آن فساد است که در خمر مترتب است. بعد می‌فرماید آیا فساد است که بر عبادت و ثن مترتب است از فساد خمر بیشتر نیست؟ سپس می‌فرمایند «بل يظهر من الروایات المنقولة عن رسول الله (ص) و أبي جعفر (ع) و أبي عبدالله (ع) مستفیضة أن مدمن الخمر كعابد وثن» در روایات می‌فرمایند کسی که دائم الخمر است مثل کسی است که بت می‌پرستد، لذا از این روایات استفاده می‌کنیم که «ان عبادته شر منه يترتب عليها فوق ما يترتب عليه فكيف يمكن ذلك التشديد في الخمر لقلع الفساد دون الاوثان»، در ادامه می‌فرمایند «مضافاً الى دلالة الروایات العامة المتقدمة كروایت تحف و غيرها».

مجموعاً دو یا سه مطلب مهم در این فرمایش امام (رضوان الله علیه) هست. مطلب اول اینکه برای اینکه بگوییم بیع صنم حرام است به حرمت تکلیفیه و حرمت وضعیه، اصلاً نیازی به هیچ دلیل لفظی نداریم، بلکه خود عقل استقلالاً عبادت اوثان را قبیح می‌داند، و شارع هم اگر بخواهد بیع چنین صنمی را تنفیذ کند عقل این را قبیح می‌داند.

نقد استاد بر فرمایش مرحوم امام (ره)

گرچه این فرمایش بسیار دقیق و متین است لکن از باب ان قلت طلبگی این نکته را عرض کنیم؛ وقتی که کسی صنم را بالفعل عبادت کند، عقل این را قبیح می‌داند، عبادت غیر خدا قبیح است و کمال قبح و کمال فساد را هم دارد. اما آیا میتوان گفت اگر کسی صنم را به قصد اینکه دیگری هم عبادت کند فروخت، خود این فروش حرمت تکلیفی دارد و عقل این حرمت تکلیفی را می‌فهمد؟! آنچه که عقل می‌فهمد این است که عبادت غیر خدا قبیح است. نتیجه فرمایش ایشان این است که برای حرمت تکلیفیه معامله صنم یا صلیب، نیازی به دلیل لفظی نداریم، یعنی عقل به تنهایی درک می‌کند که این معامله حرام است.

سؤال ما این است که آیا عقل، قبح این مرحله را هم درک می‌کند یا نه؟ در باب ظلم، عقل می‌گوید که خود ظلم قبیح است، اما اگر ظلم محتاج به مقدماتی باشد – مقدمات ظلم مثل اینکه انسان برای اینکه نسبت به کسی که ظلم کند، يك راهی را طی کند و وسیله‌ای را همراه خودش بردارد تا او را مضروب کند – آیا عقل این مقدمات را هم قبیح می‌داند؟ در بحث حسن و قبح عقلی – که این روزها مورد بحث اصول ماست –، خود این که آیا عقل، حسن عدل را درک می‌کند و اینکه از چه راهی اثبات شود خیلی حرف دارد، حال بر فرض که ما حسن عدل و قبح ظلم را فهمیدیم، اما آیا عقل، مقدمات آن را هم قبیح می‌داند؟

باید دقت کرد که با بحث مقدمه واجب خلط نکنیم؛ چون در بحث مقدمه واجب، تردیدی در وجوب عقلی مقدمه نیست، که اگر شارع ذی المقدمه‌ای را خواست و آن ذی المقدمه متوقف بر تحصیل مقدمه‌ای است، عقل این مقدمه را واجب می‌داند، اما اینجا بحث در این است که ملاک، قبح در نفس ظلم است، حالا از عقل سؤال کنید اگر کسی می‌خواسته ظلم کند، رفته چوبی برداشته و رفته درب خانه آن شخص تا نسبت به او ظلمی را انجام دهد و آن شخص منزل نبوده، آیا کاری که تا اینجا انجام داد از مصادیق کار قبیح شد یا نشد؟ عقلاً می‌گوییم نشده است.

نقد استاد بر تنقیح مناط امام (ره)

اما آنچه که راجع به تنقیح مناط در باب خمر فرمودند که ما بگوییم چون خمر بخاطر فسادش حرام است، و این فساد در مورد وثن بیشتر از فساد در مورد خمر است پس این هم حرام است، اینجا نیز تعلیقه‌ای داریم و آن اینکه **لقال ان يقول** که نوع فساد در اینها فرق می‌کند؛ آن فساد است که در خمر است، اگر کسی خمر بخورد مست می‌کند و آدم می‌کشد، اما فساد است که بر عبادت وثن مترتب است، ضرری به دیگران وارد نمی‌کند.

پس نوع فساد مختلف است، ما به چه ملاکی بگوییم همان فساد است که در باب خمر است، در وثن هم وجود دارد. البته مسأله

عبادت وثن يك امر اعتقادی است، امری است که با سعادت و کمال انسان ارتباط دارد، وقتی کسی وثن را عبادت می‌کند، احکام و ضوابط را هم قبول ندارد و آن موجب بدبختی اخروی می‌شود، لکن خمر معلوم نیست که موجب بدبختی و شقاوت دائمی شود، ولی بالاخره يك فرقی بین این فساد و آن فساد هست.

بهترین بخش فرمایش مرحوم امام(ره) برای استدلال

بهترین بیان ایشان ؛ همین «ان مدمن الخمر كعابد وثن» هست، که از این استفاده می‌کنیم که فساد در عابد وثن بدتر و بیشتر از فساد در مدمن الخمر است. این فرمایش مرحوم امام(ره) بود. اینجا نکات دیگری در همین عبارت شیخ(ره) در مکاسب هست که اگر کسی می‌خواهد معامله را روی ماده این هیاکل قرار دهد، با قطع نظر از هیأت، آیا معامله درست است یا نه؟ یا اگر بر خود هیکل غیر از مسأله عبادت، منفعت محله دیگری مثل تزیین مترتب باشد حالا این منفعت محله شایعه باشد یا نادره، اینجا چه حکمی دارد ؟ اینها فروعاتی است که ان شاء الله بحث خواهیم کرد.

و صلی الله علی سیدنا محمد و آله اجمعین.